تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

حضور مراقب در سرویس مدارس مقطع ابتدایی الزامی شد

مدیرعامل اتحادیه تاکسیرانی‌های شهری کشور از الزامی‌شدن مراقب برای سرویس مدارس در پایه دبستان خبر داد. مرتضی ضامنی در این‌باره گفت: «براساس آیین‌نامه مصوب هیأت‌وزیران و دستورالعملی که به تبع آن به تصویب کارگروه ماده ۱۹ رسیده، حضور مراقب برای ناوگان انبوه‌برمانندون، مینی‌بوس و اتوبوس در پایه ابتدایی الزامی است.»
او با بیان اینکه سپند (سامانه پایش ناوگان دانش‌آموزی) از جانب وزارت کشور به شهرداری‌های زیرمجموعه ابلاغ شده، ادامه داد: «دوره‌های آموزشی برای شهرداری‌ها آغاز شده است و برای آموزش‌وپرورش هم دوره‌های آموزشی در هفته‌های جاری ارایه می‌شود.»

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elnaz.2714@gmail.com

دنیای هیچ از چشمِ گِوَرگیز

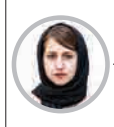

مهتاب جودکی
روزنامه‌نگار

صلیب آویزان به آینه با پیچ‌وخم جاده تاب می‌خورد. راه آدم‌ها در پیاده‌روها قفل می‌شد، راه ماشین‌ها سر چهارراه‌ها، پشت چراغ قرمزها، همه جا. راننده گفت: «گِوَرگیز اسم یک کلیساست. گورگیز سَنت جورج. ما اینطور تلفظش می‌کنیم. ارامنه می‌گویند گِوورگ؛ همان جورج و زُرژ و اینها. ایرانی‌ها هم می‌گویند گرجی، مثل گرجستان، جورجیا. من آشوری‌ام، از اقلیت‌ها.» بعد پرسید: «تاریخ آشوری‌ها را خوانده‌ای؟» نخوانده بودم. گفت که موهایش را توی آسیاب سفید نکرده و ۱۰هزار سال تاریخ خوانده، «آن هم نه تاریخ الکی». برای هر تاریخ چندین کتاب خوانده تا منابع موثق را پیدا کند؛ چون «کم نیستند کتاب‌های جعلی که تاریخ دروغی نوشته‌اند.» بعد سیر تا پیازِ تمدن آشوری را تحویلم داد و چنان گرم حرف شد که راه را اشتباه رفت. دورِ قمری زدیم و دوباره رسیدیم سر جای اول.

گفتم چقدر خوب تاریخ بلدید و او از جغرافی، زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی گفت و رسید به ستاره‌شناسی و پرسید: «ببینم، اصلا شما خسوف بزرگ قرن را دیدی؟» من دیده بودم اما ابرها نگذاشته بودند که گورگیز ماه‌گرفتگی را کامل ببیند و با دل خوش؛ چون بالاخره یک چیزی هست که جلوی آدم را بگیرد. مثلا یک‌بار آدم است، یک بار ابر. «ساعت یک بعد از نصف شب بود و یک تکه کوچک روشن از ماه مانده بود که ابرها آمدند و جلویش را گرفتند. ابرهای بی‌خاصیت بدون باران.» بعد ابروهایش را بالا انداخت که «البته اگر زیاد بدانیم و از دور نگاه کنیم، ماه‌گرفتگی هم خیلی اتفاق عجیبی نیست. فقط سایه زمین می‌افتد روی ماه.» و پرسید: «می‌دانی کره زمین نسبت به خورشید چقدر کوچکتر است؟»

خیلی، شاید زمین یک نقطه باشد مقابل یک توپ بسکتبال.

یک سانتیمتر است در برابر یک متر و ۱۰ سانتیمتر؛ یعنی یک‌میلیون و صد کره زمین داخل خورشید جا می‌گیرد. در همین کهکشان راه شیری خورشیدهایی هست که هزاران بار از خورشید ما بزرگتر است. می‌دانی کهکشان ما، همین راه شیری، از این سر تا آن سرش چقدر راه است؟

نه.

۵۰ هزار سال نوری؛ یعنی از مرکز کهکشان تا خود زمین ۲۵ هزار سال نوری راه است. می‌دانی اصلا چند کهکشان داریم؟

بی‌نهایت.

بیش از دو تریلیون؛ حالا پیدا کنید پرتقال‌فروش را.

و این همه عدد داد و عدد داد تا رسید به این حرف: «آن وقت ما که نقطه کوچکی در یک کره خیلی خیلی کوچکیم، این همه هارت و پورت داریم. در مقابل این عظمت هیچیم اما ادعا داریم. ما با هر چه در سر داریم، با دین‌های مختلف، باورهای مختلف، خودمان را از هم جدا می‌کنیم اما از دور ذره‌های شبیه همیم. باور کن.» همین‌طور که می‌گفت و می‌گفت، سرعت را کم کرد و آدم‌ها را توی خیابان نشان داد که «هیچ می‌دانی همین آدم‌هایی که دارند راه می‌روند کی می‌میرند؟» جواب این یکی را گورگیز هم نمی‌دانست. هیچ‌کس نمی‌داند که کجا قرار است به دنیا بیاید و کی قرار است بمیرد. گِوَرگیز، راننده تاکسی اینترنتی، مثل کاراکترهای مرموز فیلم‌ها با موهای سفید و لباس‌های سرتا پا سیاهش، دم ساختمان روزنامه پیاده‌ام کرد و این دیالوگ آخرش قبل رفتن بود: «هیچکس نمی‌داند؛ اسرار این عالم بی‌نهایت است. ما از دور هیچ هیچیم.»

کسی چه می‌داند. بعد از آن شاید مسافری به تور گورگیز خورد که حوصله شنیدن فلسفه‌بافی‌هایش را نداشت و اصلا برایش مهم نبود که مثلا آشوری‌ها کجای تاریخ بوده‌اند. شاید یک استاد فلسفه پای حرف‌هایش نشست، سرش را تکان داد و چیزی درباره ملال زندگی گفت. شاید هم یک منجم آماتور عدد و رقم سال‌های نوری را شنید و در دفترچه‌اش یادداشت کرد.

گزارش «شهروند» از نخستین ماشین فروش کباب‌لقمه‌ای در ایران که زنان ارمنی سرپرست خانوار اداره‌اش می‌کنند

درآوردن یک لقمه نان با «موسیو ویگن»

عکس: سعید غلامحسینی / شهروند

- «آیدا جاغازبانیان» زنی ارمنی است که چندسالی است دور از مادر و تنها با پدر بیمارش زندگی می‌کند، برای تامین مخارج زندگی‌اش با چند نیازمند دیگر این آشپزخانه سیار را راه انداخته است
- در حال حاضر این رستوران سیار توانسته ۳۰زن سرپرست خانوار ارمنی را به شکل مستقیم و غیر مستقیم به کار بگیرد

لیلا مهداد | جنب کوچه پشت‌مشهدی کنار دیواری خزیده، به سمت سایه لم داده و چشم به شلوغی میدان دوخته است. همه‌چیز، مرتب سر جایش است؛ ماست‌ها و سالادها در یخچال سمت راست کنار هم چیده شده‌اند و نوشابه‌ها و آب‌معدنی‌ها، جایشان در یخچال کناری است که پشت به ماست‌ها و سالادها کرده است. موتوری‌ها، راننده تاکسی‌ها، رانندگان اتوبوس‌ها و فروشندگان مراکز تجاری خیلی وقت است که کامیون سیاری را می‌شناسند که نخستین کباب لقمه‌ای سیار ایران است و گذری‌ها هم گاهی پشت میزهای کوچک مربع شکلش می‌نشینند تا در میان هیاهوی شهر دلی از عزا دربیاورند. یک‌سالی می‌شود که خود را تجهیز کرده تا منبع درآمد زنان سرپرست خانوار شود و حالا مدتی است که مردان نان‌آور خانه هم از کنارش نانی سر سفره زن و بچه خود می‌برند. روزهای اول، زمانی که کسی نمی‌شناختش تنها به جشن‌ها و پارک‌های مخصوص زنان می‌رفت اما چندوقتی است در خیابان‌ها تردد می‌کند و قرار همیشگی‌اش میدان هفت‌تیر است.

قصه موسیو ویگن

«موسیو ویگن» با کلاه بزرگ سفید آشپزی و سبیل‌های تاب داده بلندش در عکس، حالا عنوان نخستین کباب لقمه‌ای سیار ایران را یدک می‌کشد؛ رستورانی سیار که خانه امید ۳۰زن سرپرست خانوار شده است. قصه موسیو با «آیدا جاغازبانیان» و دوستانش شروع شد. آیدا، زنی ارمنی است که چندسالی است دور از مادر و تنها با پدر بیمارش زندگی می‌کند و برای تامین مخارج زندگی مدتی کار در آرایشگاه و باشگاه‌های ورزشی را امتحان کرده و در نهایت به دلیل علاقه به آشپزی در آشپزخانه‌ای مشغول به کار شده تا سرنوشت مسیرش را با موسیو ویگن یکی کند. در آشپزخانه با چند نفر دیگر که علاقه‌مند به آشپزی بودند، آشنا می‌شود و رفت‌وآمدشان به موسسه رعد که خود قصه‌ای دیگر دارد آنها را با موسسه‌ای آشنا می‌کند که نتیجه این آشنایی می‌شود؛ ماشینی سیار برای توزیع غذا. ماشینی که در آشپزخانه‌اش زنان و دختران سرپرست خانوار را جای داده و هرازگاهی از معلولان هم کمک می‌گیرد تا هم چرخ زندگی‌شان بچرخد هم احساس مفید بودن کنند. موسیو در کنار حمایت از زنان سرپرست خانوار گوشه چشمی به معلولان داشته است و هدفش از این کار القای احساس مفید بودن به این قشر از جامعه است. موسیو در این زمینه حواسش بوده و شرایط محیطی آشپزخانه را برای معلولان مهیا کرده است، اگرچه اجباری به حضور همیشگی آنها نیست و بعضی از آنها با دورکاری در خدمت موسیو هستند. موسیو کارش را با سیب‌زمینی کبابی و کباب لقمه‌ای شروع کرد و با اضافه شدن همکاران جدید منواش را تغییر داده است. غذای روز هم ماجرایش به ۶زن سرپرست خانواری برمی‌گردد که دوست داشتند به موسیو ملحق شوند، اما ظرفیت آشپزخانه تکمیل بود و این امکان وجود نداشت و برای همین هرکدام پخت غذایی را به‌عهده گرفتند تا در میان غذاهای منو عنوان غذای روز را به خود اختصاص بدهند.

اتفاقات خوبی در آینده در انتظارمان است

آیدا ۳۰بهار را پشت‌سر گذاشته و حالا مدیریت این ماشین و آشپزخانه را به‌عهده دارد. او تمام عمرش را در ایران زندگی کرده و اصلا به برگشت به ارمنستان فکر هم نکرده است. «من ایرانی‌ام و باورم این است که اگر بتوانم کاری انجام بدهم در وطنم باید انجام بدهم چون با کوچه‌ها، خیابان‌ها، زبان و فرهنگ و مردمش آشنا هستم»

• تمام کارکنان موسیو ویگن سرپرست خانوار هستند؟

تصور مردم از سرپرست خانوار کسی است که یا مطلقه است یا همسرش را از دست داده است در صورتی که دخترانی را داریم که پدر و مادر بیمار دارند یا تک‌دخترند و باید مخارج زندگی برادر کوچکتر و پدرشان را بدهند و این ماشین تنها منبع درآمد آنهاست. افرادی که با ما همکاری دارند جزو اقلیت‌های مذهبی‌اند که هر کدام به نوعی سرپرست خانواده محسوب می‌شوند.

• روند فعالیت موسیو به چه شکل بوده است؟

در ابتدای کار در برنامه‌ها و جشن‌ها حضور پیدا می‌کردیم؛ در میهمانی‌های مختص زنان از ما دعوت می‌کردند یا در پارک ویژه بانوان حاضر می‌شدیم، البته کم‌کم فعالیتمان را گسترش دادیم و غذاهای برنجی به منومان اضافه شد؛ بعد از ورود غذاهای برنجی به منو ما نیاز به پیک داشتیم و از آنجایی که زنان نمی‌توانستند با دوچرخه غذا را به دست مشتری‌ها برسانند مردان هم به موسیو اضافه شدند و حالا چند پیک موتوری داریم که آنها هم نان‌آور خانه‌اند. واقعیت این است که غذاها در واحد پشتیبانی یا همان آشپزخانه تهیه می‌شود و برای ما می‌فرستند، تمام همکاران آشپزخانه جزو اقلیت‌ها هستند، البته باید گفت که بعضی از زنان به دلیل مشکلات نمی‌توانند در آشپزخانه با ما همکاری داشته باشند برای همین محیطی را با رعایت نکات بهداشتی در خانه‌شان در نظر گرفته‌اند و برای ما ترشی و... درست می‌کنند. در مورد این زنان باید بگویم دو هفته یک‌بار مامورانی از محیط کار آنها بازدید می‌کنند تا از رعایت نکات بهداشتی اطمینان حاصل کنند.

• این فعالیت‌ها توانسته تاثیر مثبتی بر زندگی این زنان داشته باشد؟

صددرصد. این افراد کسانی‌اند که قبل از این چشم به راه کمک می‌نشستند تا از طرف کسی کمک ناچیزی به آنها شود تا بتوانند روزمرگی‌شان را بگذرانند، اما حالا می‌دانند ماهانه منبع درآمدی دارند و از محل آن می‌توانند برای مخارج زندگی‌شان هزینه کنند.

• آیا به گسترش کار و حتی شعبه دوم موسیو فکر کرده‌اید؟

بله. در حال حاضر موسیو توانسته ۳۰زن سرپرست خانوار را به شکل مستقیم و غیرمستقیم به کار بگیرد و این در حالی است که بعضی از زنان تقاضای کار دارند و پیشنهادهایی هم می‌دهند. اگر ما حمایت شویم و بتوانیم ماشین دیگری را تجهیز کنیم، می‌توانیم برای فصل پاییز و زمستان کافه سیار را داشته باشیم چون زنان ارامنه در پخت شیرینی، بیسکویت و قهوه تبحر زیادی دارند و پیشنهادهایی را هم از طرف بعضی از زنان سرپرست خانوار داریم. اگر ماشین دوم با حمایت‌ها راه‌اندازی شود می‌توانیم حدود ۴۰-۳۰زن سرپرست خانوار دیگر را جذب کنیم تا بتوانند روی پای خود بایستند. واقعیت این است که پیدا کردن کار در ارگان‌های دولتی برای اقلیت‌ها دشواری‌های زیادی دارد و گسترش کار ما می‌تواند به این بخش از جامعه کمک کند.

• تاکنون برای شما مشکلی به وجود نیامده است؟

من مردم و اینجا را دوست دارم. اینجا وطن ما هم هست. مردم با ما رابطه خوبی دارند. ما اینجا کلیسایمان را داریم که خیلی خوب است، مدرسه، مهدکودک و باشگاه مختص خودمان را هم داریم. این واقعیت است که ما جزو اقلیت‌ها هستیم اما دید مردم نسبت به ما خوب است. درواقع باید بگویم مردم خوبی داریم. خوشبختانه تا امروز با شهرداری مشکلی نداشته‌ایم و نیروی انتظامی هم با ما همکاری دارد و تنها برای حفظ امنیت بیشتر خواسته شب‌ها مردان پشت دخل بایستند، البته همسایه‌ها هم حواسشان به ما هست و بعضی شب‌ها می‌آیند و پشت میزها می‌نشینند تا ما احساس امنیت بیشتری داشته باشیم.

• واکنش مشتری‌ها چگونه است؟

برخورد خوب است. این‌جا کشوری اسلامی است خیالشان از طبع اسلامی راحت است. شاید اگر در کشور دیگری مثل ارمنستان بود به همین راحتی نباشد. سال‌هاست با سبک‌وسیاق زندگی و فرهنگ ایرانی‌ها آشنا هستیم و این مسأله به ما کمک کرده تا غذای باب‌میل مشتری‌ها را تهیه کنیم.

• تصوری که از ارامنه میان عامه مردم وجود دارد این است که اغلب آنها از شرایط مالی خوبی برخوردارند، آیا این تصور درست است؟

به‌واقع این‌طور نیست و تنها بخشی از ارامنه از تمکن مالی متوسط روبه بالا برخوردارند و اینگونه نیست که همه آنها وضعیت مالی خوبی داشته باشند و بیشتر آنها در وضعیت متوسط روبه پایین قرار دارند. به عنوان مثال تمام کسانی که با ما کار می‌کنند سرپرست خانوار هستند. خود من به دلیل بیماری پدرم سه‌سالی می‌شود که مخارج زندگی را تامین می‌کنم. یا در میان همکارانمان زنی را داریم که با دو فرزندش در کلیسا زندگی می‌کند.

آچار به‌دست‌ها

از دیرباز و به دلیل این که گروهی از ارامنه از قفقاز به ایران مهاجرت کرده و سری هم به اروپا زده بودند و به سبب آشنایی بیشتر با تکنیک و فن‌های مختلف، بیشتر مشاغل فنی در شهرها را به دست گرفتند. این کارها در عین حفظ استقلال آنها از شغل‌هایی بود که خلاف بسیاری دیگر از مشاغل، کمترین میزان از برخورد با ارباب رجوع را در خود داشت و این برای ارامنه نکته مهمی بود. نخستین راننده‌ها، مکانیک‌ها و مهندسان، همگی ارمنی بودند. جالب است بدانید ساختمان‌هایی مانند اداره پست و تلگراف و تلفن، ساختمان وزارت خارجه و ساختمان دادگستری در تهران را معماران و مهندسان ارمنی ساخته‌اند. ارامنه‌ای که بار نخست به تهران آمدند، در جنوب این شهر مستقر شدند. محله‌هایی مانند خانی‌آباد، شاپور، مختاری و دروازه قزوین و مناطق وحیدیه، مجیدیه، نارمک و حشمتیه در منتهی‌الیه شرق تهران جزو محله‌هایی هستند که به‌دلیل ارزان قیمت بودن مسکن، ارامنه را در خود ساکن کرده‌اند.

همین موضوع هم یکی دیگر از دلایل سوق داده شدن ارامنه به خدمات فنی بود که در این مناطق بیشتر رونق داشت. جالب اینجاست که همواره بیشتر مشتریان ارامنه را مسلمانان تشکیل داده‌اند چرا که به درستی و پاکی آنان اطمینان داشته و قابلیت‌های فنی و حرفه‌ای آنان را باور دارند. نخستین کارگاه‌ها و کارخانجات تولیدی موادغذایی به دست ارامنه احداث شدند و هم‌اکنون نیز بهترین برندهای مشهور تولید سوسیس و کالباس همچون آرزومانیان و میکائیلیان هنوز متعلق به اقلیت‌های دینی است.

پذیرش آگهی های روزنامه شهروند: ۲ - ۴۴۹۵۶۲۰۰

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان

۱- دستگاه مناقصه گذار : اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان به نشانی گرگان ، ابتدای خیابان شهید بهشتی (ساختمان شماره یک)
۲- موضوع مناقصه : پروژه احداث سرای محله انجیر آب گرگان با مبلغ برآورد ۱۳/۳۲۹/۰۰۱/۱۸۶ ریال طبق بخشنامه سر جمع و قیمت های فهرست بهای رشته ابنیه ، تاسیسات مکانیکی و تاسیسات الکتریکی سال ۹۷ (مناقصه به صورت عمومی یک مرحله ای می باشد) .
نکته : به این پیمان در صورت محقق شدن منابع مالی ، پیش پرداخت تعلق می گیرد و برنده مناقصه ملزم به اجرای پروژه ظرف مدت نه ماه بدون توجه به پرداخت های این اداره کل است و پرداخت مطالبات پیمانکار متناسب با تخصیص های پروژه پیش بینی گردیده و پرداختی های مذکور از محل اسناد خزانه و یا نقدینگی (هر کدام که تخصیص یابد) می باشد .
۳- رتبه و رشته پیمانکاران واجد شرایط شرکت در مناقصه : پایه ۵ و بالاتر در رشته ابنیه و تاسیسات (با رعایت ظرفیت مجاز کاری)
۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه : مبلغ ۶۶۶/۴۵۱/۰۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه بانکی با اعتبار ۳ ماهه به شماره شبا IR۷۱۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۳۷۲۹۰۰۱۰۰۴ و قابل تمدید به نفع شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران یا بصورت واریز نقدی به شماره شبا IR۰۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۷۲۰۶۳۷۳۷۳۳ نزد بانک های دولتی و خصوصی و موسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی)
۵- محل ، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه : پیمانکارانی که در رشته مورد درخواست تشخیص صلاحیت شده اند بایستی جهت دریافت اسنادمناقصه از تاریخ انتشار این آگهی تا پایان وقت اداری روز پنج شنبه مورخ ۹۷/۵/۱۸ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند .
۶- آخرین مهلت تحویل پیشنهادها به دبیرخانه اداره کل واقع در آدرس فوق ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۵/۲۸ خواهد بود .
۷- بازگشایی پیشنهادها : بازگشایی (پاکت های الف ، ب و ج) ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۷/۵/۲۹ در محل ساختمان شماره یک اداره کل واقع در آدرس فوق می باشد . کلیه مراحل دریافت وبازگشایی مناقصه در سامانه ستاد انجام خواهد شد .
۸- کلیه مراحل دریافت اسناد و برگزاری مناقصه در سایت ستاد انجام خواهد شد .
۹- اداره کل راه و شهرسازی گلستان در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است .
۱۰- شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت بمنزله قبول کلیه مفاد و شرایط مندرج در قانون برگزاری مناقصات ، آیین نامه های اجرایی آن ، آیین نامه معاملات دولتی و کلیه بخش نامه های صادره در این خصوص می باشد .
۱۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.setadiran.ir مراجعه یا با شماره تلفن ۳۲۲۴۴۳۷۱-۰۱۷ (اداره پیمان و رسیدگی) تماس حاصل فرمایید .

م الف: ۲۱۷۹۸۴
روابط عمومی- اداره کل راه و شهرسازی استان گلستان